

شلمون | نصف شب نامهی طنز و کاریکاتور شمال (وقف عام و خاص)
سال پنجم | شماره ۳۲ | یکشنبه ۱۴۰۳ آذر ۱۴ | بها: آلان که رو هوا بییم پولت به چه کار میاد؟

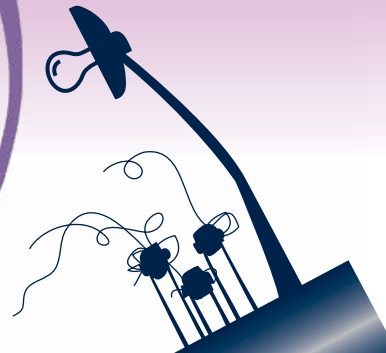


سفنگوی دولت: فاموشی‌ها به فاطر کاهش مصرف مازوت در نیروگاه‌های برق است چون دیدیم سلامت مردم در فطر است.
سازمان حفاظت محیط زیست: تنها ۷ درصد از آلودگی کلان شهرها و شهرهای صنعتی به فاطر سوزاندن مازوت است!

شما متلهم به مصرف مازوت هستید! هر چیز زری بگم علیه خودتون استفاده می‌ش!

■
یه شوهر عمه دارم معتقده
«ترامپ چون تاجر و جنگ
برا تجارت خوب نیست؛ پس
دنیا مذاکره‌س.» اون وخ
همین فرد قبل از انتخابات
آمریکا دس به دعا بود که ترامپ
نیاد. چون جنگ می‌شه!

■
مخالفت مجلس با فوریت لایحه اصلاح
قانون انتصاب دوتا بیتی‌ها در مشاغل
حساس / ظریف: من که قرار است
حذف شوم! نمی‌دانم چه کسی قرار
است به توثیق‌های ترامپ جواب دهد!
شلمون: همه درها هم بسته نیست.
می‌شه به مقام غیررسمی دیگه ابداع
کرد؛ مثلاً «رئیس شورای راهبردی پاسخ
به توثیق‌های ترامپ!»



وزیر
اقتصاد:
تعرفه‌ی ۹۶
درصدی واردات آیفون
مصوبه‌ی ما نبوده. تعرفه‌ی نهایی
احتمالاً حدود ۳۰ درصد باشد.
شلمون: خب شکر خدا مسئولین دیگه
میتونن با خیال راحت سر بر بالین بذارن.
■
وزیر شهرسازی: به تعهدات دولت‌های
قبل برای تأمین مسکن پایبندیم.
شلمون: بدین صورت که دریافت پول از
متقاضیان به شیوه دولت شهید رئیسی
انجام می‌شه و تحویل مسکن به
شیوه دولت روحانی!

متن:

شجره چرخ‌گیر

میلاذ منتظری

سید محمدصادق پورمرشد

کاریکاتور:

سید محمد جواد طاهری

دیوان کیفری بین‌المللی مستقر در لاهه، حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو (نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی) و یوآو گالانت (وزیر جنگ سابق این رژیم) را به جرم «ارتکاب جنایات جنگی در غزه» صادر کرد.

تحلیلگر صف بنزین: البته این هیچی از ارزش‌های اسرائیل به عنوان تنها دموکراسی منطقه کم نمی‌کنه!

شهره چرخ‌گیر *

یافته جدید اپوزیسیون: «کشور» تعریفی مدرن از مرزبندی است که غرب ابداع کرده و بنابراین نمی‌توان گفت از دیرباز کشوری به نام فلسطین وجود داشته است!

کشور

شکریانو

حشمت جنگلیان مهربانی بود که با همسر مهربانش در جنگل‌های مازندران زندگی می‌کرد. او رفتارهای حیوانات را زیر نظر می‌گرفت تا بیشتر آن‌ها را بشناسد و بتواند از آن‌ها محافظت کند. مثلاً می‌دانست حیوانات قلمرو خود را با پیشاب کردن مشخص می‌کنند. حشمت به همسرش می‌گفت «حیوونا شه کیش ور درنه.» (حیوانات در محلی که پیشاب می‌کنند مستقر می‌شوند.)

روزی پادشاه کره زمین - که از حکومت مستقیم بر همه جا خسته شده بود - تصمیم گرفت کره زمین را قطعه‌بندی کند؛ ولی نمی‌دانست اسم هر محدوده را چه بگذارد. او تصمیم گرفت اولین کسی که از جلوی قصرش رد می‌شود را خفت کند و از او نامی برای محدوده‌ها خواهد. از بخت بد یا خوب، حشمت از آنجا رد می‌شد. سربازان پادشاه او را گرفتند و به نزد پادشاه بردند. حشمت نمی‌دانست برای چه چیزی آنجاست. پادشاه از او پرسید: «اگر تو پادشاه بودی و می‌خواستی همه جا را تقسیم کنی اسم هر محدوده را چه می‌گذاشتی؟»

حشمت فکری کرد و بلافاصله گفت «کشور!» پادشاه گفت «احسن بر تو واقعاً که اسم بامسمایی انتخاب کردی. بیا و با دختر من ازدواج کن.» حشمت گفت: «نه مرسی من خودم همسر دارم.» پایان.



روح... طهماسی



حرکت مرتجعانه عربستان به سوی دوران جاهلیت:

رژه‌ی کاروان‌های فشن و موزیک با میدان داری مطربان و رقاصه‌های آمریکایی، تحت عنوان جشن "موسم الریاض"

سجاد کیل پور



سید محمد جواد طاهری

رئیس شورای اطلاع رسانی دولت: وام ازدواج و فرزندآوری هیچ اثر مثبتی ندارد! به جای آن باید امید پروتوق شود! مهاجرت‌ها از ناامیدی است. از اینکه آینده را تاریک می‌بینند. باید کاری کرد که آینده روشن شود. باید برسیم به اصلاحات اقتصادی!

شلمون: شما یک نفر رو بیار که بگه «من وامم رو نمی‌خوام و منتظر می‌مونم امیدواری در جامعه زیاد بشه!» خودم می‌رم همه زوج‌هایی که تو صف وام زیر پاشون سرخس سبز شده رو آتیش می‌زنم!

همین لحظه، همتی (وزیر اقتصاد): ولی وام کارمندان بانک خیلی هم اثرش مثبته و اصلاً خود خود امیده! کسی نگاه چپ بهش بندازه با خودم طرفه!

منبع آگاه نام‌فاش‌نکن: همه چیز با به وام ساده شروع می‌شه. بعد می‌گن مسکن هم می‌خوایم. آخرش هم می‌گن - روم به دیوار - خادم ملت هستی دیگه! وظیفه‌ت بود!

ایوساده



سیده فاطمه زهرا حسینی

محمدطاهر رحیمی، کارشناس سیاستگذاری اقتصادی: یک نمونه طلافروش ۳۵ ساله با ۲۵ همت گردش مالی، مالیات پرداخت نمی‌کند و بازار را هم دعوت به اعتصاب می‌کند!

شلمون: به زندان هست خارج از کشور برا مجرمی دونه‌درشت؛ بهش می‌گن هتل ۵ ستاره خلافکارا. خیلی اوضاع خوبی دارن. تخت خواب خوب، غذای عالی، سرویس بهداشتی درجه یک و آپشن‌های دیگه. می‌شه گفت ایران هم هتل ۵ ستاره مالیاتی مالدارا و قالدارا (همون قلندرا که برای هم‌آهنگی با واژه بغلی اینطور شد) هست. دونه‌درشتا انقدر وضعشون خوبه تو مالیات دادن (بهتره بگیم ندادن) که از دولت و حکومت شاکیان که چرا باید مالیات بدیم و اموالون بره تو جیب دولت؟! دولت‌م واسه این کار به راه حل داره: دادن تشویقی و تخفیف بهشون؛ شاید که بیان وظیفه‌ی شهروندی‌شونو ادا کنن! خیلی زیبا نیست؟

علی رحیبیان





خر می داند قیمت نقل و نبات؟

مریم صدیقی

چشم پای

سید علی رضا مهدوی زاده

دیشب شاهد نزاع سخت و نفس‌گیری بودم. این درگیری همیشه بود؛ مخصوصاً بعد از تولد پسر. نزاعی بین "وجدان بهداشتی" درون و "دون‌دون" درون. (همون شخصیت نادون کارتون السون و ولسون)

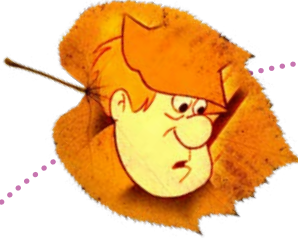
بدجوری دعوا بالا گرفته بود. وجدان بهداشتی درون یکی می‌گفت و دون‌دون دوتا جوابشو می‌داد. وجدان بهداشتی درون می‌گفت: «بچه که خوابید. حالا بدو برو مسواکتو بز. آفرین.» نادون می‌گفت: «ولش کن الآن حس خواب اومد؛ بخواب. مگه نمی‌گن هر وقت بچه خوابید شما هم بخوابین. به جاش صبح فردا مسواک بز.» وجدان بهداشتی می‌گفت: «برو مسواکتو بز از این چهارتا دندونی که برات مونده چهار صباحی بیشتر استفاده کنی.» نادون می‌گفت: «یک شب که هزار شب نمی‌شه! دندونی که بخاطر یک شب مسواک نزدن بخواد خراب بشه؛ همون بهتر که نباشه.» وجدان بهداشتی می‌گفت: «یک شب یک شب جمع گردد وانگهی دندون مصنوعی.» دون‌دون می‌گفت: «این شتریه که در خونه همه می‌خواهه. تازه دندون مصنوعی هم چیز بدی نیست. فقط نمی‌تونن از خرت خرت خیار لذت ببری که فدای سرت. خیار خرت خرت ندی نمی‌میره که. به جاش قبل از خواب می‌تونن به جواب‌های دندون‌شکنی - که همیشه توی بحث‌ها یادت می‌ره - فکر کنی.» وجدان بهداشتی می‌گفت: «آخه اینم شد فکر؟ تا صبح با عذاب وجدان می‌خوای چیکار کنی؟»

خلاصه، این بگومگوها داشت بالا می‌گرفت و نزدیک بود "خر درون" بیاد وسط و همه رو چک و لفتی کنه که وسط کارو گرفتم. خودمم خیلی موافق بودم. عذاب وجدان بهداشتی می‌گیرم شبایی که مسواک نمی‌زنم. نادون هم از پس این عذاب برنمی‌اومد. من مونده بودم بین این سه‌تای درون. تصمیم با خودم بود.

خیلی دوست داشتم به نتیجه اخلاقی و بار مثبت و نصیحت نرسم؛ ولی نشد. وجدان بهداشتی درونم برنده شد و رفتم مسواک زدم.

ولی بعدش لفتی بود که خر درون نتارم کرد و گفت: «این چه خریدی بود کردی؟! حالا وجدان بهداشتی درون یه ژل ضد عفونی‌کننده‌ای خورد؛ تو چرا گوش کردی؟!» چون بعد از مسواک زدن، توی تاریکی، پام محکم به در اتاق خورد و بچه بیدار شد و تا یک ساعت بیدار نگه‌م داشت. خواستم بگم قبل از هر تصمیمی به خر درون هم گوش کنین. شاید حرف خوبی زد.

- می‌خوام یه چیزی تعریف کنم؛ جایی بروزش ندیا. + چشم. بفرما.
- یه بار داشتم فیلم اسپارناکوس رو می‌دیدم؛ وقتی به صحنه‌های مبتذلش می‌رسید، چشمش خود به خود بسته می‌شد. باورت می‌شه؟
+ چه جالب! البته... هیچی ولش کن!
- چی؟ چی شده؟ چیزی می‌خواستی بگی؟
+ آخه می‌ترسم ریا بشه.
- این حرفا چی‌ه! بگو.
+ راستش منم یه موقعی داشتم یه فیلم درباره روم باستان می‌دیدم ولی کل صحنه‌هاش به چشم پوشیده می‌اومد. همه زناشونم با حجاب می‌دیدم!
- ... اکبر! چه چشم پایکی داری تو. حالا کدوم فیلم بود؟
+ مردان آنجلس. دیدی فیلمشو؟



فرهنگ واژگان طبری

گلام

سیده فاطمه حسینی

دیگه اینو دیگه همه می‌دونن. هممه!... چی؟! لی‌لی پوت کدومه؟! من می‌دونستم که نمی‌تونید بگید؛ من می‌دونستممم. اگه به جای خارجی ترشدن، مازندرانی‌تر شده بودین، الآن نمی‌گفتین گلام اون شخصیت منفی‌نگر کارتون سفرهای گالیوره. تو بااااید بدونی درمان‌دران، گلام، برگ درخت را می‌گویند. آیا نشنیده‌اید که می‌گویند:

پئیزه و پئیزه / دار گلام کلینه

هوا بیته بچا / برقم که بورده اسا!

حق دارید نشنیده باشید. خود نگارنده هم تا کنون نشنیده است. اما می‌توانید افتخار بکنید که از شعر بالا لااقل یک واژه را بلد شده‌اید.



صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سید محمد جواد طاهری
کاری از کارگروه طنزستان طبرستان

با تشکر از امیرمحمد قربان‌نیا